خراسان بزرگ: سال هشتم، شماره (۲۷)، تابستان ۱۳۹٦
Quarterly bulletin of Greater Khorasan: Vol.۸, No.۲۷, Summer ۲۰۱۷

بررسی رشد و توسعه‌ی شهر مشهد در دوران تیموری

کورش صالحی[۱]
راضیه فرستاده[۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۳۰
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۱/۱۸
شماره صفحات: ۶۶-۵۵

چکیده

با آغاز حملات تیمور گورکانی به نواحی مختلف ایران‌زمین و همچنین جنگ‌های خانگی و جانشینی امیرزادگان در مقاطع بعدی، به طور نسبی برخی از شهرها و آبادی‌های مهم گذشته ایران‌زمین، ویران شدند اما خراسان به دلیل قرار گرفتن مرکز حکومت تیموریان در آن توسط برخی از اخلاف تیمور به آبادانی گرایید و موجبات رونق بیشتر شهرهای این منطقه فراهم شد. جانشینان تیمور با ساخت بناهای عام‌المنفعه و ایجاد راه‌ها، برای پیشرفت تجارت و امنیت مسیرهای بازرگانی و ارتباط با حکومت‌های دیگر پرداختند و توانستند تا حدودی خرابی‌های قبلی را جبران کنند. این تحقیق در پی پاسخ به این سئوال است که علت رشد سریع شهر مشهد در دوره تیموریان چه بوده است؟ در پاسخ فرض تحقیق بر این استوار است که روند رشد سریع مشهد در دوره تیموریان به خاطر، توجه شیعیان به مرقد امام رضا (ع) و افزایش زائران و توجه خاص حاکمان تیموری به جایگاه مهم و تاریخی این منطقه بوده است. این پژوهش با استفاده از روش تحقیق تاریخی ترتیب یافته و در تلاش است که دورنمایی از این روند رشد و توجه حاکمان تیموری را به شهر مشهد را بر اساس مستندات تاریخی ارائه نماید. نتایج به دست آمده از این پژوهش گویای این مطلب است که شهر مشهد در دوره تیموری، رشد اقتصادی و به دنبال آن، توسعه‌ی معماری شهری زیادی را تجربه نموده است و این مهم بستگی زیادی به گسترش امنیت و ارتباط با حکومت‌های دور و نزدیک و حمایت امرای تیموری داشته و همچنین با توجه ویژه‌ی آنان به برپایی سازه‌های بزرگ اقتصادی و اجتماعی و آثار باشکوه همراه بوده است.

واژه های کلیدی: تیموریان، مشهد، گوهرشادبیگم، معماری تیموری، اوضاع اقتصادی

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه سیستان و بلوچستان(نویسنده مسئول) salehi@lihu.usb.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری دانشگاه لرستان و مدرس دانشگاه پیام نور بیرجند shadi.ferestad@yahoo.com

مقدمه

مشهد در دوره تیموریان از نظر بنای آثار معماری، وضعیت اقتصادی و گسترش وسعت بر بسیاری از شهرهای بزرگ خراسان پیشی گرفت و در خراسان به شکل یک قطب زیارتی درآمد. گستردگی مرزهای جغرافیایی خراسان و ناپایداری آن تاثیرات منفی بسیاری بر رشد و گسترش سکونت یکجانشین این منطقه در ادوار مختلف داشته است. در عهد ساسانی خراسان را چهار مرزبان اداره می‌کرد: مروشایگان، بلخ و طخارستان، ماوراءالنهر، هرات و پوشنگ محل استقرار این چهار مرزبان بود. در دوره اسلامی، درباره‌ی حدود خراسان اتفاق نظری وجود نداشته و بسیاری از جغرافی‌دانان، ماوراءالنهر، خوارزم را جزء خراسان دانسته‌اند. حافظ ابرو، مورخ دوره تیموری، خراسان را مملکتی وسیع می‌دانست که از سمت شمال به رود جیحون، از جنوب به سند، کابل و نواحی نیمروز و از غرب به گرگان تا دریای خزر و بیابانی که میان خراسان و حدود سمنان و ری قرار داشت، معرفی کرده است. با فروپاشی حکومت ایلخانان در ایران و پیدایش دوره‌ی ملوک‌الطوایفی، امیر تیمور گورکانی از میان این دوران سر برآورد و پس از فتح ماوراءالنهر او ابتدا شهرهای خراسان را فتح کرده و موجبات ویران‌های بزرگی را به وجود آورد.

در این دوران منطقه‌ی مورد بحث این مقاله واقع در ولایت توس بود. توس که از روزگاران قدیم یکی از ولایات نسبتاً بزرگ خراسان و دارای چندین ناحیه‌ی مهم مانند رادکان، طابران، بردغور و نوقان بوده است. مشهد، در ابتدا به نام دهکده سناباد یکی از نواحی نوقان در ولایت توس به شمار می رفت. هارون الرشید خلیفه عباسی در سال ۱۹۳ ه.ق، در دهکده سناباد ولایت توس وفات یافت. امام رضا (ع) نیز در سناباد در سال ۲۰۳ ه.ق، به دست مأمون عباسی به شهادت رسیده و در همین دهکده به خاک سپرده شد؛ بنابراین دهکده سناباد به نام محل شهادت یعنی مشهد یا مشهد توس تغییر نام داد و مورد توجه شیعیان و بخصوص ایرانیان جهت زیارت امام هشتم (ع) قرار گرفت. مقالات و کتاب‌های بسیاری در مورد تاریخ شهر مشهد به ویژه در عصر تیموری به نگارش درآمده‌اند. ولی تحقیق مستقلی که فقط به اوضاع اقتصادی و معماری این منطقه در عهد تیموری که در اصل هدف پژوهش، نیز همین موضوع می‌باشد، پرداخته نشده است، بنابراین احساس شد که تحقیقی در این زمینه صورت گیرد. در دوران تیموری، رشد و ترقی شهر توس به دلیل شورش حاکم این شهر و سرکوبی شدید قیام مردمان آن توسط میران‌شاه بن تیمور تنزل چشم‌گیری یافت و نیز به دنبال آن مهاجرت برخی از مردم توس به مشهد، شرایط جدیدی برای رشد سریع شهر مشهد به وجود آمد. به دلیل اعتبار این ناحیه با وجود حرم امام رضا (ع)، رشد روز افزون مکتب تشیع، ازدیاد زوار، موقعیت جغرافیایی و نزدیکی به هرات پایتخت شاهرخ میرزا و مسیر نیشابور-ماوراءالنهر که منتهی به سمرقند پایتخت تیمور می‌شد و اهمیت دادن حاکمان تیموری به مقبره امام هشتم شیعیان برای کسب مشروعیت، فزونی گرفت. تسهیلات مذهبی حاکمان ترک اهل تسنن نسبت به شیعیان امری سودمند به نظر می رسید، زیرا آنان به دنبال مقبولیت در بین اهالی بومی ایران بودند. تاخت و تازهای تیمور و نواده‌گانش آسیب‌های زیادی در ولایات مختلف ایران‌زمین به وجود آورد، اما منطقه‌ی خراسان و به ویژه شهر مشهد از آسیب‌های کلان این جنگ‌ها به دور ماند و تنها چند نبرد کوچک و محاصره‌ی کوتاه مدت مسطور تواریخ در این محدوده‌ی جغرافیایی بوده است؛ از سویی هم ترکان حاکم، به آبادکردن برخی از مناطق در مقطع زمانی کوتاه، نیاز داشتند تا هم به مساله مشروعیت و مقبولیت حکومت خود توجه نموده و هم با ترمیم خرابی‌های موجود، علاوه بر زدودن و جبران خاطرت جنگ‌ها و تارج‌های اسلاف خویش، در جهت رونق محدوده‌ی حکومتی خویش نیز بکوشند. با این اوصاف، شهر مشهد در ولایت توس در قرون نهم و دهم ه.ق، پیشرفت قابل توجهی در زمینه اقتصادی و معماری داشته است. این قضایا سبب انتخاب و بررسی اوضاع اقتصادی و معماری شهر مشهد در عهد تیموری با استناد به منابع دست اول، دوم و پژوهشی، در این تحقیق شده است. این تحقیق بر آن است که زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی و روند ساخت و سازهای عام‌المنفعه تیموریان و رونق سریع شهر مشهد را بررسی نموده و پیامدهای تأثیرات شرایط جدید اقتصادی و اجتماعی شهر مشهد را در میزان رونق اقتصادی و اجتماعی بعدی این شهر بر اساس داده‌های متون تاریخی به تصویر بکشد. البته باید به میزان متغییرهای سیاسی و اجتماعی حاکم بر منطقه‌ی خراسان در دوره‌ی تیموریان توجه کامل داشت زیرا تأثیر این متغییرها می‌تواند به طور نسبی در ثبت و ضبط این رشد و توسعه یا عکس آن، از دیده مورخان آن دوران مخفی تأثیر زیادی داشته باشد. این پژوهش با استفاده از روش تحقیق تاریخی ترتیب یافته و سعی دارد با استفاده از منابع دست اول تاریخی، تلاش تیموریان را در جهت رفع خرابی‌های جنگ‌ها و شهرسازی برنامه‌دارشان را به صورت دسته‌بندی شده در یک دورنمایی تاریخی بررسی نماید و روند رشد و توجه حاکمان تیموری را به شهر مشهد را بر اساس مستندات تاریخی ارائه نماید.

نگاهی به تحولات تاریخی مشهد در دوران تیموری

تاریخ مشهد با تاریخ توس قدیمی پیوند ناگسستنی دارد. شهر مشهد زمانی جزء یکی از نواحی کوچک ولایت توس بوده است. پس از مرگ ابوسعید آخرین ایلخان مغول، اوضاع ایران بسیار آشفته گشت. حاکمان محلی و کوچک در هر منطقه برای خود حکومت می‌کردند و یک نظام متمرکز حکومتی در کشور، وجود نداشت. با برآمدن تیمور و پیچیدن آوازه‌ی فاتحانه‌ی او، علی‌بیگ جانی‌قربانی حاکم توس و کلات، تیمور حاکم قدرتمند ماوراءالنهر را به حمله به خراسان ترغیب نمود و قول داد در هنگام لشکرکشی وی در کنار رود مرغاب به او بپیوندد، ولی خلف وعده نمود (نطنزی، ۱۳۸۳: ۲۲۸). بنابراین زمانی‌که خبر نزدیکی تیمور را به خراسان شنید از ترس و وحشت در سال ۷۸۳ ه.ق، در نیشابور تسلیم ترکان شد (همان: ۲۳۸) و با این تحول، خراسان به قلمرو تیموری پیوست. در دوران حکومت شاهرخ بن تیمور بر خراسان، حاکم توس سید خواجه در سال ۸۰۹ ه.ق، در فکر خیانت افتاد و دست به قیام زد ولی از سپاه شاهرخ شکست خورد (حافظ ابرو،۱۳۸۰، ۱۲۲/۳— ۱۲۰). پس از مرگ شاهرخ‌میرزا، هرج و مرج در ولایات تحت نظارت وی رخ داد و شاهزاده‌گان بر سر جانشینی تخت تیموری، جنگ‌های بسیاری را به وجود آوردند و به خاطر این موضوع چندین نبرد در محل شهر مشهد نیز رخ داد (سمرقندی، ۱۳۶۷: ۴۶۱ ـ ۴۶۰). در سال ۹۰۴ ه.ق، حسین بایقرا یکی از امیرزاده‌گان تیموری که بر خراسان فرمانروایی می‌کرد، حکومت مشهد را به فرزندش محمد محسن میرزا داد (میرخواند، ۱۳۸۵، ۵۸۴۶/۱۱). در سال ۹۱۳ ه.ق، دو تن از پسران سلطان حسین بایقرا به نام‌های ابوالمحسن میرزا حاکم مرو شاهجان و محمد محسن میرزا با کمک هم‌دیگر در مقابل هجوم ازبکان به سوی خراسان ایستادگی کردند. نبرد در نزدیکی مشهد آغاز و به اسارت و قتل دو شاهزاده تیموری منجر گشت و سرانجام ترکان تیموری مغلوب ازبکان مهاجم شدند و دولت تیموریان که به خراسان محدود شده بود در ایران به پایان رسید (همان، ۱۳۸۰، ج ۴: ۳۸۵ ـ ۳۸۴). این دوران که عصر طلایی آن دوران حکومت شاهرخ است، برای رشد شهر مشهد بسیار پر اهمیت بود. اگر از حملات تیمور و حملات ازبکان در پایان دوره تیموری به دیده‌ی اغماض نگریسته شود، دوران تقریباً با ثباتی برای رشد این شهر به حساب می‌آید. سئوال این تحقیق این است که علت رشد سریع شهر مشهد در دوره تیموریان چه بوده است؟ و در پاسخ آن این فرضیه ترتیب یافته که روند رشد سریع و همه جانبه‌ی شهر مشهد در دوره تیموریان به خاطر، توجه شیعیان به مرقد امام هشتم (ع) و آمد و شد زیارتی و تجارتی زائران و توجه خاص حاکمان تیموری به جایگاه مهم و تاریخی این منطقه به عنوان یکی از مراکز مهم حکومتی کاملاً ایرانی بوده است. این پژوهش با استفاده از روش تحقیق تاریخی ترتیب یافته و به بررسی موضوع پرداخته است.

رونق اقتصادی مشهد در دوره تیموری

معمولاً در تاریخ اکثر جوامع بشری چنین فرض است که پیشرفت هر کشوری به رونق اقتصادی آن سرزمین بستگی مستقیم داشته است. وضعیت قوانین مالی، رسیدگی به اوضاع تاجران داخلی و خارجی، امنیت راه‌ها و سرکوبی راهزنان، ایجاد بازارهای بزرگ، توسعه کشاورزی و دسترسی مردم به انواع کالا از جمله عوامل رونق اقتصادی هر جامعه‌ای به شمار می‌آمده است. با این پیش زمینه‌ی فکری تیموریان نیز از اموری که منجر به آبادانی مملکتشان می‌شد، غافل نبودند. در سال‌های اولیه هجوم تیمور به نواحی مختلف ایران‌زمین، جنگ‌ها و فتوحات او، فرصتی برای رسیدگی به این امور و آبادانی میسر نمی‌شد و خرابی‌ها و عدم سامان در بیشتر ایالات ایران‌زمین از لابلای منابع تاریخی قابل مشاهده است (شامی، ۱۹۵۶: ۸۷ — ۸۶). این ویرانگری‌ها بر کشاورزی، نظام آبیاری، جمعیت، تجارت داخلی و خارجی، روح و روان مردم و مساله‌ی ایجاد و نگهداری ساختمان‌های رفاهی و تجاری بزرگ، آسیب‌های شدیدی وارد می‌نمود و اقتصاد و بازرگانی را به شدّت دچار رکود می‌نمود؛ اما به تدریج بعد از مرگ تیمور و در دوران جانشینانش، مناطق مختلفی با هدف احیای مجدد نظام اقتصادی و اجتماعی مناطق مهم به سوی آبادانی راهبری شد (حافظ ابرو،۱۳۷۰: ۱۲-۱۳). آنان بعد از دوران پر تب و تاب تیمور، دوام و بقای خود را در رونق اقتصادی و امنیت جستجو کردند. شاهان تیموری نسبت به ایجاد رابطه‌ی تجاری با دول دیگر هم بی‌توجه نبودند. به طور نمونه در سال ۸۰۲ ه.ق، سفرایی از اسپانیا، مصر و چین در دربار تیمور حضور یافتند (کلاویخو، ۱۳۶۴: ۲۲۹-۲۲۶) و مخصوصاً شاهرخ‌میرزا که خواهان ارتباط تجاری با کشور چین به عنوان منشأ راه بزرگ تجاری ابریشم بود (حافظ ابرو، ج ۲، ۱۳۷۲: ۴۶۸). مجموعه اقداماتی را که تیموریان در جهت رفاه و عمران محدوده‌ی قلمرو خویش انجام دادند، می‌توان به چند دسته تقسیم و بررسی نمود: ۱. توجه به امنیت راه‌ها و مقابله با راهزنان. ۲. ایجاد کاروانسرا و میل رهنما (نشان در راه‌ها) در بین مسیرهای تجاری. ۳. ایجاد بازارهای بزرگ، مساجد، مدارس و حمام. ۴. رسیدگی به امور کشاورزی و آبیاری. ۵. ارتباط با دول دیگر برای پیشرفت بازرگانی.

تأثیر امنیت راه‌های تجاری بر احیای حیات اقتصادی دوره‌ی تیموری

در دوره خود تیمور برای ایجاد امنیت راه‌ها امر شد تا از طریق یاسا (قوانین تیموری مأخوذ از یاسای چنگیزی) با راهزنان برخورد شود (تربتی، ۱۳۴۲: ۲۴۲) به طور نمونه دزدان در منطقه لرستان به دستور وی به مجازات رسیدند (یزدی، ۱۳۳۶، ۲۸۸/۱). تیمور علاوه بر برخورد با راهزنان دستور داد که بر سر مسیرهای مهم، پاسبان‌ها از اسباب و کالاهای تاجران و مسافران مراقبت به عمل آورند تا آنان با خیال آسوده منزل به منزل به نواحی امن برسند (تربتی، ۱۳۴۲: ۲۴۲). به شهادت کلاویخو، سیاح و سفیر اسپانیایی که در سال ۸۰۲ ه.ق، موفق به دیدار تیمور شد، در راه تبریز تا سمرقند چندین چاپارخانه که همواره اسب آماده داشتند در فواصل یک روزه و گاه نیمه روزه احداث شده بودند. این امر به معنی امنیت و ترتیب امر در مسیر تبریز تا سمرقند بود چون اگر راهزنان توان لازم را داشتند، وجود چنین چاپارخانه‌هایی را به خطر می‌انداختند (کلاویخو، ۱۳۶۴: ۱۶۴).

از گذشته‌های بسیار دور وجود راه‌های بزرگ بازرگانی در مناطق مختلف ایران‌زمین گزارش شده است. جاده‌های با اسامی ابریشم (در بخش شمالی) ادویه (در بخش جنوبی) کالاهای مختلفی را در فواصل کوتاه و بلند از چین و هند به سوریه و سپس روم انتقال می‌داده است. این جاده با آورده‌های خود تولیدات بسیاری را هم در مناطق مختلف ترغیب و اشاعه داده و صنایع تبدیلی و تکمیلی بسیاری را در مسیرهای اصلی و فرعی خود ایجاد نموده بود. به دلیل موقعیت خراسان جاده‌ی ابریشم و شاخه‌های فرعی آن پوشش تجاری نسبتاً پررونقی را بر حیات اقتصادی این منطقه ایجاد نموده بود که بازرگانان بسیاری از ملل مختلف در آن مسیرها در رفت و آمد بودند. تاجران از سرزمین‌های دور مانند ایتالیا، چین، سوریه، بغداد، روسیه و... برای خرید اجناس ایرانی و فروش اجناس خود به ایران می‌آمدند (همان: ۱۷۰–۱۶۸). هم‌چنین تیمور به ساخت کاروانسرا و مهمان‌خانه نیز اهمیت می‌داد و کاروانسراهای متعددی در مسیرهای شرقی ایران بر پا نمود (همان: ۱۸۵). برخی دیگر از حاکمان تیموری از جمله سلطان حسین بایقرا نیز به ایجاد امنیت راه‌ها اهتمام می‌ورزیدند (سمرقندی، ۱۳۶۷: ۶۰۹). اما این امنیت شامل کل دوران تیموری نمی‌شد چون در روزهایی که جنگ و خون‌ریزی به وجود می‌آمد دزدان جرأت بیشتری پیدا می‌کردند و از غفلت امرا سوء استفاده نموده و به غارت اموال تاجران و مسافران می‌پرداختند و حضور بازرگانان را در مسیرهای تجاری و بازارهای کوچک و بزرگ محلی کم‌رنگ‌تر می‌کردند. پس از مرگ شاهرخ این آشوب‌ها به اوج خود رسید و به گفته کاتب مورخ، سپاهیان شاهرخ پراکنده شده و اموال مردم و تاجران را به یغما بردند (کاتب، ۱۳۴۵: ۹). از درگیری‌های درون خاندانی شاهزاده‌گان تیموری که کم هم نبودند گزارشات زیادی وجود دارد که سبب تنزل امنیت در این عصر می‌شده است و تنها در مقاطعی مانند دوران تیمور، شاهرخ میرزا، بابر میرزا، ابوسعید و در نهایت سلطان حسین بایقرا دورانی از آرامش در خراسان برقرار بود. امرای تیموری که قدرتمندتر بودند، می‌بایستی خسارات هرج و مرج‌های ناشی از سرکشی‌های دیگر امیرزاده‌گان را جبران کنند و این مسائل مانع از رشد و ترقی بیشتر اقتصاد و محدود شدن رونق تجاری و اقتصادی به شهرهای بزرگی چون هرات می‌شده است (دالساندری، ۱۳۴۹: ۴۴۶).

شکل‌گیری شهر مشهد- گذار از شهرهای سنتی خراسان به شهر جدید تیموری

شهر مشهد که موضوع اصلی بحث این تحقیق است در ابتدا یکی از دهکده‌های ولایت توس بود و توس یکی از آبادترین و بزرگ‌ترین مراکز خراسان به شمار می‌آمد (ابن‌بطوطه، ۱۳۴۸، ۴۴۰/۱). ولی از زمان حکومت شاهرخ به بعد با توجه خاصی که تیموریان به مشهد مبذول داشتند به رشد و ترقی بسیاری رسید و مبدلّ به یک قطب زیارتی در خراسان گشت. این معروفیت و اهمیت یافتن شهر مشهد، مانع از توجه بیشتر تیموریان به شهر توس می‌شد به خصوص که حاکم توس حاجی بیگ با شورشی که در زمان تیمور انجام داد به شهر توس آسیب‌های بسیاری وارد نمود و به گفته شامی مورخ تیمور گورکانی، بسیاری از زنان و مردان آن‌جا به قتل رسیدند و جمعیت این شهر رو به تنزل نهاد (شامی، ۱۹۵۶: ۸۷-۸۶) و اعتبار توس در برابر مشهد کم‌رنگ‌تر شد. احتمال نسبی می‌رود که با توجه به سوابق شهر توس در واکنش به حکومت تیموریان، این حاکمان را برای تضعیف و شاید بالعکس نمودن رشد توس به وسیله‌ی کم توجهی و مهاجرت ترغیبی ساکنان به مشهد برانگیخته شده باشند. اسفزاری دیگر نویسنده عهد تیموری در کتاب خود نامی از توس به میان نیاورده است که این خود نشان از بی‌اهمیتی این شهر در این زمان دارد. چون اسفزاری به شهرهای مهم و تقریباً آباد خراسان اشاره دارد، توس را زیر مجموعه مشهد به حساب آورده است. با انتقال آب چشمه گلسب از توس توسط امیرعلی شیر نوایی وزیر سلطان حسین بایقرا به مشهد، از کیفیت میزان آبیاری این منطقه نیز کاسته شد که این امر می

توانست از میزان محصولات کشاورزی ناحیه توس بکاهد و باعث آغاز مهاجرت‌های اهالی توس به مشهد شود (صنیع‌الدوله، ۱۲۹۹: ۱۸۴-۱۸۳). حکومت تیموری چنان تشخیص داده بود که برای خروج از بن‌بست قیام توسیان و سرکوب حکومت، شهری جدید همانند روش سایر حکومت‌ها در برپایی شهرهای جدید رو بیاورد. از سویی هم در رونق گرفتن مشهد نیز ویرانی شهر تابران توس توسط میرانشاه پسر تیمور هم مؤثر بود و باقیمانده‌ی جمعیت آنجا به مشهد مهاجرت نموده باشند. ساخت چهار باغ توسط شاهرخ در مشهد، و ساخت مسجد جامع توسط همسرش گوهرشاد، رونقی به شهر مشهد می‌داد. به دلایل مختلف جاذبه‌های ایجاد شده در مشهد در کوتاه مدت باعث تغییر شکل بافت سنتی متکی بر روابط فوق‌العاده محلی و قومی ولایت توس به سوی روابط متمرکز در شهرسازی نوین آن دوران گشته و به از افزایش جمعیت مشهد و رونق آن در دوره‌ی شاهرخ و فرزندانش انجامید.

با آزادی نسبی شیعیان در این دوره در منطقه خراسان و حمایت مورد حاکمان تیموری با توجه به اصل مشروعیت و مقبولیت حکومت و همچنین بن‌مایه‌های فکری تسامح‌گونه مغولان و تیموریان در خصوص ادیان و فرق، مشهد به تدریج به قطبی برای جذب تشیع و سکونت آنان نیز بدل شد. به طور مثال تیمور به طور عمومی به سادات و بزرگان و عرفا احترام می‌گذارد (یزدی، ۱۳۷۹: ۸۰) و اگر مخالفتی با او از جانب آنان نمی‌شد، جایگاه ویژه‌ای به دلیل نفوذ آنان در مردمان و شاید ذهنیت نسبتاً خرافی به میراث رسیده شمنهای مغول، اختصاص می‌داد. شاهرخ از سادات مازندران که توسط تیمور به سمرقند تبعید شده بودند، دلجویی کرد و به آنان اجازه داد تا به وطن خویش بازگردند (مرعشی، ۱۳۴۵: ۴۴۷). سبزوار یک شهر شیعه‌نشین ضراب‌خانه‌ای بوده است (ترابی طباطبایی، ۱۳۵۰: ۱۲۹). بنابراین طبیعی بود که امرای تیموری چون ابوسعید و حسین بایقرا در مسکوکات خود از عنوان تشیّع و نام ائمّه شیعه استفاده کنند. (تاکستن، ۱۳۸۴: ۷۳) در برخی از نواحی شمال ایران حکومت‌های شیعه نشین وجود داشتند (مرعشی، ۱۳۴۵: ۴۲۹ – ۴۲۳). کمال‌الدین حسین کاشفی سبزواری که شیعه مذهب بود در مدرسه گوهرشاد در هرات به راحتی برای فوت فردی شیعه مذهب تعزیه می‌خواند (اسفزاری، ۱۳۳۹، ۲۷۲/۲). شاهرخ میرزا گاهی اوقات به زیارت امام رضا (ع) می‌شتافت (همان، ۱۳۳۹، ۱۸۶/۲) و بابرمیرزا نیز به این عمل مبادرت می ورزید (خواندمیر، ۱۳۸۰، ۱۸/۴). تیمور برای حرم علی بن موسی الرضا (ع) اراضی بست و محال شهر توس را وقف نمود و دستور داد که در حرم فرش، روشنایی و آش روزانه مقرر سازند (تربتی، ۱۳۴۲: ۳۵۸). شاهرخ در تزئین حرم امام تلاش فراوانی از خود نشان می‌داد، وی در سال ۸۲۱ ه.ق، قندیلی از طلا به مثقال پانصد گرم به حرم مطهر اهدا نمود (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۶۹۳/۳).

مسائل ذکر شده نشان بر اهمیت روز افزون تشییع و سبب افزایش جو شیعی و زوار در مشهد و توجه تیموریان به شیعیان، به خصوص حرم امام هشتم (ع) بوده است (صدری کیا، ۱۳۹۴: ۵۲–۵۱). مشهد به برکت حرم امام (ع) شهرت یافته و تمامی آبادانی و جمعیت در اطراف نواحی مرقد و مزار امام بوده است. (اسفزاری، ۱۳۳۹، ۱۸/۲) کلاویخو از عظمت و شکوه آرامگاه امام رضا (ع) و اهمیت زیارت این مکان مقدس در نزد مردم و شمار زائران بسیار آن که سالانه به حرم امام می‌رفتند، سخن به میان آورده است و مشهد را از بزرگ‌ترین شهرهای زیارتی ناحیه خراسان می‌دانست. (کلاویخو، ۱۳۶۴: ۱۹۳-۱۹۲) حافظ ابرو مورخ دربار تیموری در کتاب خود اشاره دارد که برای زیارت امام رضا (ع) مردم از سرزمین‌های دوری چون مصر و شام به ایران می‌آمدند. (حافظ ابرو، ۱۳۷۰: ۶۳) مشهد به عنوان یک شهر زیارتی در مسیر تجاری مرکز، غرب ایران و ماوراءالنهر قرار داشت. (کلاویخو،۱۳۶۴: ۱۹۸–۱۹۲) و هم‌چنین به یکی از مسیرهای جاده ابریشم نزدیک بود. این موقعیت جغرافیایی باعث تجمع زائران، عبور و مرور بیشتر تاجران و کسب درآمد بیشتر برای دکان‌داران مشهدی می‌شده است. وجود زائران در مشهد باعث رونق اقتصادی بود زیرا آنان با خود تولیدات نواحی دیگر را برای فروش به مشهد می‌آوردند و به هنگام بازگشت سوغاتی و وسایل مورد نیاز خود را خریداری می نمودند.

احداث بناهای عام المنفعه و تأثیر آن در رونق اقتصادی شهر مشهد

با رونق‌بخشی ابتدایی تیموریان در خصوص تغییر وضعیت شهرنشینی در ولایت توس، مشهد در یک جهش بزرگ به یک شهر نو با قالبی فراقومی درآمد این مهم با احداث بناهای بیشماری از سوی تیموریان، تداوم یافت و به تدریج با فراهم آمدن شرایط مساعد تجاری و اقتصادی، وضعیت معماری این شهر چه از جانب مردمان ساکن و مهاجر و هم از سوی حکومت تیموری در مراحل بعدی، به شدت دچار تحول گردید. در درازنای تاریخ، به طور نسبی، رشد معماری و احداث بناهای شهری بر ترقی اقتصادی مناطق مختلف تأثیر بسزایی داشته است و این شهر نیز از چنین قاعده‌ای مستثنی نبوده است. تیمور در هر لشکرکشی علاوه بر به دست آوردن غنایم فراوان

(یزدی، ۱۳۳۶، ۴۴/۱)، هنرمندان برخی از شهرها را به سمرقند پایتخت خویش می‌برد (ابن‌عرب‌شاه، ۱۳۸۱: ۲۵۰). شاهرخ نیز به مانند پدرش از شهرهای مختلف مهندسان، معماران و هنرمندان باسابقه و ماهر را به مشهد و شهرهای دیگر می فرستاد تا آن نواحی را آبادتر کنند (سیدی، ۱۳۷۸: ۲۴۹؛ خزایی، ۱۳۸۸: ۶۰).

مشهد شهری بود که در دوران شاهرخ به لحاظ معماری به اوج خود رسید. هر یک از این بناها کارکردهای خاص خود را داشتند و در خدمت شهروندان، مسافران و بازرگانان بودند. در مشهد چندین مدرسه به نام‌های پریزاد، دودرب و بالاسر در نزدیکی حرم امام رضا (ع) و مسجد گوهرشاد و شاه برای سکونت علما و فضلایی که برای زیارت، تدریس یا وعظ به مشهد می‌آمدند، ساخته شدند. (زنده‌دل، ۱۳۷۷: ۲۲۰) مدرسه پریزاد، علاوه بر رسیدگی به طلاب دینی، به اطعام خدام حرم مطهر در روز عید غدیر و هزینه‌هایی را برای تلاوت قرآن و تعمیر حرم می‌پرداخته است. (یزدی مطلق، ۱۳۷۳، ۷۵-۷۴) با توجه به این‌که پریزاد شیعه مذهب بود، طلاب شیعی در این مکان نیز به تحصیل می‌پرداختند. (همان، ۱۳۷۳: ۷۰) مسجد کانون عبادی، سیاسی و محل اجتماع مردم بوده است. مسجد و اجزای آن در خدمت رفاه حال مردم و مسافران بودند. دارالسیاده، دارالحفاظ، رواق، شبستان، کتاب‌خانه و مدرسه کنار مسجد، همه در جهت رفاه حال شهروندان مشهد و حتی بازرگانان و طلاب بوده است. اتمام مسجد گوهرشاد در سال ۸۲۱ ه.ق، باعث ایجاد بناهای جدیدی در مشهد شد به طوری که شاهرخ پس از دیدار از مسجد گوهرشاد، دستور داد نزدیکی مسجد گوهرشاد بنایی جهت استراحت او در ایام توقف در مشهد احداث کنند و در فاصله زمانی کم باغ و عمارتی زیبا در این محل به نام چهارباغ احداث گشت (سمرقندی، ۱۳۶۰، ج ۲: ۳۷۶) به طوری‌که مورد استفاده جانشینان شاهرخ مانند بابرمیرزا بود (حسینی،۱۳۹۰: ۷۶). بابر بعد از زیارت به چهارباغ می‌رفت و به استراحت می‌پرداخت. (خواندمیر،۱۳۸۰: ۲۸/۴) مسجد شاه با وجود نام ائمّه معصومین (علیهم السلام) می‌توان آن را به نوعی مسجد شیعیان به حساب آورد.

بازار

بازار یکی دیگر از اماکنی بود که بر رونق اقتصادی تأثیرات بسزایی می‌گذارد. بازار مناسب‌ترین مکان برای تولید و توزیع محصولات و انجام معاملات بوده است. ساخت بازار و مسجد در کنار هم نیز در همه جا رواج داشته است. (جعفری، ۱۳۸۴: ۱۰۷) قرار گرفتن مساجد شاه و گوهرشاد، مدارس، حمام، کاروانسرا و آب انبار در کنار بازار مشهد، کاربری بازار را بالا می برد. (سند اداره اوقاف و امور خیریه استان خراسان رضوی، ۳-۴) وجود مسجد و حمام برای رفع خستگی و شست و شوی جسمی بازرگانان و خریدارانی که از اطراف به خصوص از روستا به شهر می‌آمدند، مفید واقع می‌گشت بنابراین وجود چنین بناهایی در کنار بازار در جذب افراد بی‌تأثیر نبودند. اجتماع مردم، طلاب، روحانیون و مسافران جهت نماز جماعت باعث ازدیاد خریداران می‌شد. بنیان یک مسجد و اجزای آن قیمت زمین و محله را بالا می‌برد. (کاتب، ۱۳۴۵: ۹۷) یکی از نشانه‌های امنیت راه‌ها، تغییر الگوی اقتصادی و تمایل پادشاهان به ایجاد گسترش روابط بازرگانی خارجی و داخلی ایجاد کاروانسراها و منارههای متعدد بوده است. بدین جهت چندین رباط در خراسان به دست خاندان و امرای تیموری برپا گشت. (یزدی، ۱۳۷۹: ۳۵) در عهد تیموری در اطراف شهر مورد نظر ما به غیر از میل اخنجان (زنده‌دل، ۱۳۷۷: ۸۲) مناره دیگری ساخته نشده است که این امر به علت وجود چندین میل بزرگ از دوران‌های قبل بوده است. (مشکوتی، ۱۳۴۹: ۹۱ -۸۸)

احداث کاروانسرا

در میان ولایات خراسان بیشترین ساخت و ساز کاروانسرا در طی قرون نهم و دهم ه.ق و به ویژه در عهد سلطان حسین بایقرا در اطراف مشهد وجود داشته است. ساخت کاروانسراها در خارج از شهر برای اقامت زائران، طلاب و بازرگانانی که به سمت مشهد می‌آمدند بسیار مفید بود. امنیت راهی که در دوران تیمور برقرار شد، رفت و آمد بازرگانان و زائران را به داخل مشهد بیشتر می‌کرد؛ بنابراین مشهد در آن دوره با رفت و آمد زیادی مواجه بوده که به ساخت چندین کاروانسرا اقدام نموده بودند. وجود آثار معماری باعث ایجاد مشاغل موقتی برای کارگران ساختمان سازی و تمرکز جمعیت می‌شدند زیرا طلاب و استادان برای درس، بازرگانان برای تجارت، زوار برای زیارت و روستاییان در وسوسه رسیدن به شهر زمین‌های خود را رها می‌کردند و به مشهد مهاجرت می‌نمودند. بدین ترتیب مشهد رو به گسترش نهاد و دارای چندین محله به نام‌های کاریز، سناباد، دستجرد، منصوریه، ابوبکرآباد، پس باره و چارراه شد. (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۱۶۴) برپایی واحدهای معماری باشکوه و متعدد بر زیباسازی و اعتبار شهر می‌افزود و نوعی آرامش روحی و معنوی به مسافران، نمازگزاران و اهالی بومی با تماشای آن همه زیبایی و قرائت آیات قرآنی که بر جدارهای بناها درج شده بودند، دست می‌داد. (مشکوتی، ۱۳۴۹: ۳۵۰)

در مشهد عهد تیموری ظروف سفالی تولید می‌شده است (تاکستن، ۱۳۸۴: ۶۵-۶۴) از کارگاه‌های مشهد در دوره تیموری دو نوع ظروف تاریخ‌دار به دست آمده است یکی کوچک سبز رنگ (۸۴۵ ه.ق /۱۴۴۴ م) و دیگری بشقاب آبی با نقوش گیاهی شبیه با گل‌های صد تومانی هستند. (۸۷۸ ه.ق / ۴-۱۴۷۳ م) لبه بشقاب‌های مشهد دارای نقش حاشیه‌ای مواج و جقه‌ایی می‌باشند به طوری‌که شکل کرم حشره پیدا کرده‌اند. یکسری از جام‌های عمیق و لیوان‌های دسته‌دار با نقش اژدهای در هم پیچیده در مشهد تولید شده است. ایجاد کوره سفال‌گری در مشهد بر اثر افزایش شمار زائران این شهر از زمان شاهرخ به بعد است. (تاکستن، ۱۳۸۴: ۶۶) تعداد زیادی از کلسیرهای ظروف نیشابور و مشهد در روستای کوباچه داغستان به دست آمده است. در اواخر سده نهم ه.ق در قلمروی ترکمانان تولید ظروف زیبای منقوش به سبک خراسان رواج گرفت چون از سفال‌گران خراسان در تبریز – جزء قلمروی ترکمانان – استفاده می‌نمودند. با توجه به این موضوع هنگامی که هنر سفال‌گری خراسانیان آنقدر مهم بوده که در غرب ایران نیز از آنان استفاده می‌شده است پس مطمئناً این نوع سبک در خراسان طرفداران خاص خود را داشته و این نوع ظروف می‌توانسته در بین شهرهای خراسان مورد مبادله قرار گیرد و به نوعی منبع درآمد مهمی برای آنان به حساب آید. (تاکستن، ۱۳۸۴: ۶۷ -۶۶)

صنعت سفال

سفال‌گران مشهدی با توجه به سابقه‌ای که در عهد تیموری کسب کرده بودند در عهد صفوی مشهد را تبدیل به مرکز سفال سفید و آبی نمودند. (کیانی، ۱۳۶۴: ۶۲) بنابراین مشهد از مراکز مهم سفال‌گری در میان شهرهای خراسان بوده است و با حضور زائران و بازرگانان سفال‌گران مشهدی می‌توانستند کالاهای خود را بیشتر در معرض فروش قرار دهند. در دوران تیموری سیل سفال چینی با رنگ‌های معروف آبی و سفید به سوی ایران روان شدند. لوازم ظروف چینی بسیار جالب و به طور نسبی ارزان قیمت بودند، بنابراین مورد توجه قرار گرفتند. (آربری، ۱۳۸۴: ۱۹۸) از این رو ارزانی و محبوبیت ظروف چینی منبع درآمدی مناسب برای اهالی مشهد و مؤثر در رونق اقتصادی بود. هنر موزاییک سازی در قرن نهم ه.ق، در مشهد و اصفهان به اوج ترقی خود رسید. در دوران اولیه اسلامی از قرن دوم تا چهاردهم ه.ق، کتیبه‌های ظروف سفالین را که در نزد اروپائیان به هنر موزاییک و در نزد ایرانیان به هنر کاشی معرق با گل تپه شهرت داشت، (عباسیان، ۱۳۷۹: ۱۳۵-۱۳۴) با کلمات قصار، احادیث، گفته‌های بزرگان و ضرب المثل مزین می‌کردند. (همان: ۱۹۱) برای تزئین ساختمان‌های بزرگی چون مسجد گوهرشاد، مدرسه دودر و ... از این کتیبه‌های سفالین استفاده کرده‌اند. (همان: ۱۳۵-۱۳۴) ساخت ظروف و کتیبه سفالی در داخل مشهد باعث ایجاد مشاغلی درآمدزا می‌شد.

ضراب‌خانه

مشهد دارای ضراب‌خانه هم بوده است (ترابی طباطبایی، ۱۳۵۰: ۱۴۲) چون که تقریباً ضرب سکه در شهری که دارای ثبات سیاسی بوده، صورت می‌گرفت و مشهد که در اکثر اوقات به دور از آشوب بود، به نوعی دارای امنیت و رونق تجاری بوده است. تیموریان سراسر حکومت خود را بر نظام پولی تک فلزی مسکوکات نقره‌ای استوار ساخته و از سکه طلا کم‌تر استفاده می‌نمودند. سکه‌های مسی با نام تیمور و شاهرخ نیز وجود داشته است. گمان می‌رود که تجار عمده در مبادلات خود از مسکوکات طلای خارجی که به صورت کالا فروخته می‌شد، استفاده می‌کردند. مالکان شهرهای بزرگ برای سهولت خرید و فروش و مبادلات شهرنشینان مقدار زیادی سکه‌های مسی بی نام و نشان ضرب می‌کردند. (تاکستن، ۱۳۸۴: ۷۰) تجار در دادوستد در مواقع خاص مثل رسیدن اردو و لشکر پادشاه از سکه نقره استفاده می‌کردند چون قیمت اجناس بالا می‌رفت و سکه فلوس که دارای ارزش چندانی نبود، در بین مردم جریان می‌یافت. (کاتب، ۱۳۴۵: ۲۵۲) بنابراین می‌بایستی در مشهد که ضراب‌خانه وجود داشته، پول راحت‌تر به دست مغازه‌داران و اهالی مشهدی برسد. مشهد شهری زیارتی بوده و جریان داشتن آسان و سریع سکه حتی از نوع مسی می‌توانست در افزایش خرید و فروش کالا نقش داشته باشد.

آب‌رسانی

ظاهراً مشهد در دوره سلطان حسین بایقرا با کمبود آب مواجه شده بود، بنابراین شهر را به سیستم آب رسانی مجهز کرده بودند. امیرعلی شیر نوایی، ترتیبی داد تا مسیر جدول‌بندی شده‌ای برای آب‌رسانی به حرم امام از چشمه گلسب (صنیع‌الدوله، ۱۲۹۹: ۱۸۴ ـ ۱۸۳) یا گیلاس که سابقاً آب توس را تأمین می‌کرد حفر کرده و به مشهد بیاورند. دستور ساخت آب بند گلستان که به آب کوه مشهور است و قریه آب کوه که حالا جزیی از شهر مشهد شده است (سیدی، ۱۳۷۸: ۱۶۲) را ابوسعید گورکانی صادر نمود تا اراضی اطراف بند با آب آن مشروب شوند. این اراضی به املاک خاصه ابوسعید منتقل شد تا سود بیشتر این اراضی به شاه تعلق گیرد و در کنار آن برخی از روستائیانی که بر روی زمین شاه کار می‌کردند نیز از این

سود بهره بی نصیب نمانند. (نوائی، ۱۳۷۰: ۳۱۳) هم چنین پل بند طرق با هزینه علی شیر نوایی مرمت یافت. سد اخلمد و پل شاهی نیز متعلق به این عهد هستند. بدین گونه زمین‌های اطراف مشهد با وجود چنین سدهایی ارزششان بالا می‌رفت و از محصولات مرغوبی برخوردار می‌شدند و وضع کشاورزی در این نواحی نسبت به مناطق دیگر بهتر می‌شد. (خواندمیر، ۱۳۷۸: ۱۹۴).

بنابر آن‌چه گفته شد مشهد در دوره تیموری با ایجاد کارگاه‌های سفال در آن، ساخت موزاییک برای ساختمان‌های مذهبی و عام‌المنفعه، مبدل شدن به یک ناحیه ضراب‌خانه‌ای، رفت و آمد زوار، ایجاد مدارس مختلفی چون پریزاد، دودر و بالاسر و جذب طلاب و اساتید، ساخت بازاری در کنار حرم امام (ع) و ایجاد چند سد در اطراف آن از رونق و شکوفایی برخوردار شد. به خصوص در دوره شاهرخ، به اوج معروفیت خویش رسید. این توجه در عهد سایر امیرزاده‌گان تیموری از جمله علاءالدوله، بابر میرزا، سلطان ابوسعید و سلطان حسین بایقرا ادامه یافت. معماران زبردست به فرمان تیموریان بناهایی دیگری را نیز در این خصوص ساختند که شامل سد طرق در روستای طرق در چهارده کیلومتری مشهد (مشکوتی، ۱۳۴۹: ۱۰۵)، پل شاهی که در گذشته بر روی رود کشف‌رود و سد اخلمد در سمت چپ جاده مشهد ـ قوچان فعلی و در هفت کیلومتری مشهد می‌باشند (ملازاده، ۱۳۷۹: ۱۰۵–۱۰۰).

رباط

رباط ساختمانی در کنار راه، بیرون از شهر و آبادی، دارای حوض، آب‌انبار و اتاق‌های متعدد در گرداگرد حیاط برای اقامت مسافران برپا می‌شد و (پوراحمد، ۱۳۷۶: ۱۰۶) کاروانسرا در اصل رباط بزرگ و جامعی بود که داخل و بیرون از شهر قرار می‌گرفت (پیرنیا، ۱۳۷۴: ۲۳۲). کاروانسراهای بزرگ که جنبه مهمان‌خانه را نیز داشتند، نزدیک شهرهای آباد و مشهور (کلاویخو، ۱۳۶۴: ۱۳۹) و هم‌چنین گاهی اوقات در داخل شهرها کنار مساجد جامع در مرکز شهر جای می‌گرفتند (جعفری، ۱۳۸۴: ۶۳). اهمیت دادن تیمور به امنیت راه‌های تجاری، به ایجاد چاپارخانه‌ها و کاروانسراهای متعددی نیز منجر گشت (کلاویخو، ۱۳۶۴: ۱۶۶). این اماکن تأمین‌کننده اسب و آب برای مسافران خسته از راه بودند. (همان: ۱۸۴) در این اماکن، بازرگانان متاع خود را عرضه می‌نمودند (باربارو، ۱۳۴۹: ۸۶) و بازارهای کوچک و پر رونقی شکل می‌گرفت.

رباط سنگ بست در روستای سنگ بست در کنار راه مشهد و فریمان در چهل کیلومتری مشهد واقع شده است. سنگ بست در قدیم تلاقی شاه راه نیشابور به مرو و قهستان، هرات به مشهد و توس بوده و به همین سبب منزلی مهم در کنار جاده ابریشم به حساب می‌آمده است (لباف‌خانیکی، ۱۳۷۸: ۴۴ – ۴۳). رباط سفید، بر سر راه مشهد- تربت‌حیدریه، رباط قرابیل بر سر راه مشهد به جاجرم (گلمبگ، ۱۳۷۴: ۴۸۱)، و رباط ویرانی در شش کیلومتری جاده مشهد به سمت محور گردشگری شاندیز، همه در دوره تیموری بنا شدند (تقی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۷۱). امیرعلیشیر نوایی وزیر سلطان حسین بایقرا فرمان به ساخت چندین رباط در مسیر مشهد ـ گرگان داد (هیلن‌براند، ۱۳۷۷: ۴۳۲). خواندمیر نیز به بنای رباط مشهد مقدسه توسط امیر علیشیر نوایی اشاره می‌کند (خواندمیر، ۱۳۷۸: ۹۳). مرمت و ساخت انواع کاروانسرا و رباط در مسیر مشهد به نقاط مختلف خراسان به دلیل موقعیت تجاری و زیارتی مشهد و نزدیکی به مناطق بزرگ و تجاری چون نیشابور و هرات ضروری می‌نمود (بیات، ۱۳۸۳: ۱۴۳). که در این مسیرها به خصوص راه نیشابور ماوراءالنهر اماکنی جهت استراحت مسافران و بازرگانان بر پا کنند (کلاویخو، ۱۳۶۴، ۱۹۱– ۱۸۵).

آرامگاه و بناهای یادبود

آرامگاه از مشهورترین نوع بناهای معماری ایران اسلامی است که به تعداد فراوان در روستاها و شهرها به چشم می‌خورد. زیارت این سازه‌ها در زندگی مذهبی مردم کاملاً تضمین شده و از لحاظ مذهبی و روانی تأثیراتی جدی در آنان دارد. اهل تشیع برای ائمّه (ع) و اهل تسنن برای بزرگان خویش ارزش بسیاری قائل‌اند. این بزرگان با کرامات خویش، وسیله‌ای جهت استجاب دعای دردمندان و حاجتمندان به حساب می‌آمدند (معین‌الفقرا، ۱۳۷۰: ۱۶). آرامگاه‌های بسیاری بر سر مقابر شهدای شیعه و شخصیت‌های برجسته عهد عتیق و عهد جدید احداث شد (هیلن براند، ۱۳۷۷: ۳۱۵). زیارتگاه برای مردم جذاب و در آن نذر و نیاز برای حصول دعا و گاهی مبلغی برای تزئینات و مراقبت از آن به متولیان می‌دادند. مقبره امام رضا (ع) در مشهد مورد توجه خاندان شاهی تیموری قرار گرفت. در داخل حرم امام بناهای متعددی از جمله، دارالحفاظ، دارالسیاده و دارالسلام هر سه به فرمان گوهرشاد همسر شاهرخ میرزا در این دوران ساخته شدند. دارالحفاظ که همان طور از نام آن مشخص است مکانی برای حفاظ قرآن و قاریان قرآن و رواق دارالسیاده محل اجتماع مسافران و منسوبان به خاندان علی (ع)، (راهنمای جامع، ۱۳۸۴: ۳۲) بودند. دارالسیاده در اصل یک اتاق مجلل یا همان شبستان به حساب می‌آید (کیانی، ۱۳۷۴: ۶۲۶) و

کاربردش در آن زمان مشخص نیست، ولی می‌توان به این موضوع اشاره نمود که الگوی دارالسیاده حرم امام، دارالسیاده غازان‌خان ایلخانی بوده است به طوری که دارالسیاده را برای معاش و خدمت به سادات در نظر می‌گرفتند (همدانی،۱۹۴۰: ۲۱۰). رواق دارالاسلام نیز برای استراحت زوار ساخته شد (کاویانیان، ۱۳۵۰: ۱۳۸–۱۳۷). زیارت‌گاه سنگور در ده کیلومتری مشهد (گلمبگ، ۱۳۷۴: ۴۸۳–۴۸۲)، گنبد خشتی یا مقبره امیر سلطان غیاث‌الدین محمد بن موسی بن جعفر یکی از نقبای سادات حرم امام رضا (ع) در ابتدای خیابان طبرسی و (سیدی، ۱۳۸۲: ۹۹) مقبره بابرمیرزا در مدرسه دو در واقع در حرم رضوی از آرامگاه‌های این دوره به شمار می‌آیند (موسوی روضاتی، ۱۳۷۹: ۲۲۸).

مسجد جامع گوهرشاد

گوهرشادآغا هم‌چنین در سال ۸۲۱ ه.ق، دستور به ساخت مسجد جامعی در جنوب حرم امام رضا (ع) داد که به مسجد گوهرشاد مشهور گشت (مقری، ۱۳۵۹: ۸). او موقوفات، مستغلات و اسباب مرغوبی برای این مسجد در نظر گرفت که (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۴،۶۸) شامل قسمتی از اراضی مشهد، توس و جام بوده است (سند اداره اوقاف و امور خیریه استان خراسان رضوی،۳). بر طبق متن کتیبه مسجد، گوهرشاد هزینه ساخت مسجد و قسمت‌های مختلف آن از جمله دارالسیاده، شبستان و دارالحفاظ را از اموال خود تقبل نموده است (مشکوتی، ۱۳۴۳: ۳۵۰). تزئینات مسجد با طرح‌های مختلف هندسی، اسلیمی، گیاهی، طاق‌نما و کاشی‌های معرق زیبایی تحسین برانگیزی را به نمایش می‌گذارند (ملازاده، ۱۳۷۹: ۱۳۱). مسلماً برای این مسجد هزینه‌های بسیاری صرف گردیده و برای نگه‌داری آن یک بازارچه به تعداد شصت و یک دکان و یک حمام را در نظر گرفته بودند (به نقل از سند وقف نامه گوهرشاد، بدون شماره و مهر، به نقل از اداره اوقاف و امور خیریه استان خراسان رضوی، ۳–۴). مسجد شاه یا مسجد هفتاد و دو تن که ایوان آن با کتیبه‌ای منقش به نام چهارده معصوم (ع) مزین شده، نیز از دیگر آثار این دوره است (مشهدی محمد، ۱۳۸۳: ۱۸۹). بایسنقر بن شاهرخ یک جلد قرآن به خط خود به حرم تقدیم کرده بود (خانیکوف، ۱۳۷۵: ۱۱۲). با اهدای یک قرآن به حرم امام (ع) سنگ بنای کتاب‌خانه حرم برای اولین بار در این دوره گشوده و با این عمل بزرگان و اشراف تشویق به انجام آن شدند تا کتابی را به حرم اهدا نمایند تا سرانجام امروزه به صورت یک کتاب‌خانه بزرگ درآید.

مدارس

با اهمیت یافتن مشهد و مهاجرت علما به خصوص شیعیان و سکونت در جوار بارگاه حضرت رضا (ع)، لزوم ایجاد مدارس بیش از پیش احساس شد. اگرچه داشتن دانش در بین خراسانیان بسیار پسندیده و با سابقه بود اما در این شهر جدید وجود مدارس بزرگ فرصتی برای تعلیم و کسب دانش روز بود. از مدارس ساخته شده در این شهر می‌توان مدرسه دو در و پریزاد (خزایی،۱۳۸۸: صص:۶۲–۶۹ و قصابیان، ۱۳۷۷: ۲۴۲) و مدرسه بالاسر که محل دقیق آن میان صحن عتیق و بازار بزرگ یا رنجبر و مدرسه پریزاد بوده است، نام برد (سیدی، ۱۳۸۲: ۱۶۶). ضمیمه کردن مدارس خودکفا به مساجد رسمی متداول بوده است به طوری‌که این مطلب را می‌توان در مورد دو مدرسه دو در و پریزاد با نزدیک بودن به مسجدگوهرشاد نیز تصدیق نمود (هیلن براند، ۱۳۷۷: ۲۲۰). مدرسه پریزاد در دو طبقه جهت سکونت طلاب، علما و مدرسانی که به قصد تدریس یا زیارت و وعظ به مشهد می‌آمدند بر پا گردید. مدرسه ازغدی نیز در قریه‌ای نزدیک مشهد ساخته شد (قصابیان، ۱۳۷۷: ۱۷۲).

میل‌های راهنما

میل در اصطلاح به نوعی راهنمای مسافران و پیک‌ها در بیابان و جایگاهی برای آسایش مسافران بود (پیرنیا، ۱۳۷۴: ۳۲۰). وجود میل در کنار جاده نشانه وجود آبادانی، دسترسی به آب و یک شب آسایش بود. تیمور و حاکمان قبل از او به این امر اهمیت فراوان می‌دادند و در خراسان از این برجک‌ها در طول مسیر کلاویخو در پایان هر فرسخ قرار داشت (کلاویخو، ۱۳۶۴: ۱۸۷ – ۱۸۶). میل اخنجان یا اخنگان در بیست و دو کیلومتری مشهد در روستای اخنجان در عصر تیموری ساخته شده است (زنده‌دل، ۱۳۷۷: ۸۲). آثار آتش میان دو گنبد میل اخنجان به چشم خورده و به نظر می‌رسد که در آن آتش می‌افروختند و با این عمل در شب و روزهای مه‌آلود به راهنمایی مسافران می پرداختند (پیرنیا، ۱۳۷۴: ۲۶۴). میل نیز به نوعی همان مناره به حساب می‌آید. مناره با قرار گرفتن کنار یک مسجد داخل شهر تقریباً مانند یک میل عمل می‌کند، با وجود مناره، یک مسافر شهر را از راه دور به راحتی تشخیص می‌داد. شهری که نشان از وجود آسایش و آبادانی برای مسافران خسته از راه داشت. علاوه بر وجود مناره‌های مساجد قبلی، مناره مسجد طباطبایی مشهد (جنب فلکه حضرت) در قرن نه ه.ق، بر پا گردید (کیانی، ۱۳۸۳: ۳۵۴) و به این نحوه توسعه‌ی شهر مشهد تشخص جدیدی یافت.

نتیجه گیری

تیموریان بعد از جنگهای آغازین بسیار در ادوار بعدی ایام حکومتشان به فکر رونق و بهبود شرایط عمومی قلمروشان افتادند. جانشینان تیمور از نظر توجه به شهرسازی و رونق اقتصادی به طور نسبی باعث پدیداری تمدنی شکوهمند هرچند کوتاه مدت در خراسان شدند. شهر مشهد تا قبل از حمله تیمور به سوی خراسان یک دهکده کوچک از ولایت توس به شمار می‌آمد. اهمیت یافتن مشهد، سیاستی چند سویه بود که از جوانب اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی پیروی می نمود. اگر چه تیموریان گرایش به مذهب اهل سنت داشتند اما برای کسب مشروعیت حداکثری، به خواست شیعیان نیز توجه نشان می‌دادند. این میراثی بود که حکومت مغولان در باب تساهل نسبت به مردمان قلمرو خود داشتند که تیموریان هم از آن سود جستند. در طی توجهات تیموریان به مشهد به علت‌های مختلف که مهم‌ترین آن‌ها عبارت بودند از وجود حرم امام رضا (ع) و توجه خاص شیعیان بدان‌جا به جهت زیارت، کسب مشروعیت در بین مردم و موقعیت جغرافیایی مشهد و گذار از شهرهای سنتی مانند توس به شهرسازی مدرنتر مانند مشهد، همگی سبب شدند که رشد اقتصادی این ولایت کوچک از این دوره آغاز گردد. تیموریان با ایجاد و برقراری روابط با دول دیگر، امنیت راه‌ها، بنای کاروانسراها، چاپارخانه‌ها و مناره‌های متعدد در بین مسیرهای تجاری، بازرگانان ایرانی و خارجی بیشتری را به سمت مشهد و سایر نقاط تحت نظارت خویش جذب نمودند. با رونق اقتصادی پیش‌آمده به تدریج لزوم ایجاد و احداث بناهای بزرگ و عام‌المنفعه احساس گردید که تیموریان و اشخاص بانفوذ و دارنده‌ی ثروت آنرا به بهترین وجه ممکن انجام دادند. با این روند رشد شهر مشهد و با برپایی ساختمان‌های حکومتی و عام‌المنفعه که مستقیما بر تعداد زوار، محصلان و مهاجران می‌فزود و زمینه‌های رشد کلان شهر و اشتغال‌زایی برای هنرمندان و معماران زبردست در این ولایت بیشتر شد. بدین ترتیب مشهد از قبل بسیار بزرگ‌تر و صاحب ضرابخانه حکومتی گردید و یکی از مراکز مهم سفال در ایران‌زمین و سایر صنایع مستظرفه در خراسان مبدل گشت. اگرچه جنگ‌های داخلی تیموریان و ناامنی‌های ناشی از آن تأثیر بسزایی بر رشد اقتصادی و اجتماعی اکثر نقاط قلمرو تیموری داشت اما این مساله به دلیل موقعیت مکانی مشهد بر رشد اقتصادی این شهر کمتر تأثیر گذاشت بلکه مشهد آنقدر توسعه یافت که در زمینه اقتصادی، خلق آثار معماری، گستردگی وسعت و حتی در رفت و آمد تاجران و مسافران بر اکثر شهرهای خراسان سبقت گرفت. این رشد و توسعه‌ی چند وجهی باعث گردید که مشهد به صورت یک شهر مهم و مهاجرپذیر در دوران تیموری ایفای نقش کند اگر چه به دلایل مختلف به عنوان یک شهر سیاسی و نظامی به حساب نمی‌آمد، اما در اثر توسعه‌ی کلان تجاری، فرهنگی و اجتماعی و همچنین عقیدتی جایگاه مهمی در این دوره در تاریخ ایران‌زمین به دست آورد.

فهرست منابع

• ابن بطوطه، ابوعبدالله بن محمد (۱۳۴۸). *سفرنامه ابن بطوطه*. ج ۱. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

• ابن‌عربشاه، احمد بن محمد (۱۳۸۱). *عجایب المقدور*. ترجمه محمد علی نجاتی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

• آربری، آرتور جان و دیگران (۱۳۸۴). *میراث ایران*. ترجمه احمد بیرشک، بهاءالدین پازارگاد، عزیزالله حاتمی، محمد سعیدی، عیسی صدیق، محمد معین. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

• اسفزاری، معین‌الدین محمد زمچی (۱۳۳۹). *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات*. ج ۲. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

• باربارو، جوزفا و دیگران (۱۳۴۹). *سفرنامه ونیزیان در ایران*. ترجمه منوچهر امیری. تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.

• بیات، عزیز الله (۱۳۸۳). *کلیات جغرافیایی طبیعی و* تاریخی ایران. تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر.

• پوراحمد، احمد (۱۳۷۶). جغرافیا و کارکردهای بازار کرمان. کرمان: انتشارت مرکز کرمان شناسی.

• پیرنیا، محمدکریم (۱۳۷۴). *آشنایی با معماری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.

• تاکستن، حیدر و دیگران (۱۳۸۴). *تیموریان*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: انتشارات مولی.

• ترابی طباطبایی، جمال (۱۳۵۵). *سکه‌های آق قویونلو و مبنای وحدت حکومت صفویه در ایران*. بی جا: انتشارات اداره کل حوزه‌ها.

• تربتی، ابوطالب حسینی، (۱۳۴۲). *تزوکات تیموری*. تهران: کتاب فروشی اسدی.

• تقی‌زاده، هادی و دیگران (۱۳۸۷). *سیمای میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان رضوی*. مشهد: سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری رضوی

• جعفری، جعفر بن محمد (۱۳۸۴). *تاریخ یزد*. تصحیح ایرج افشار. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

• حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبدالله (۱۳۷۰). *جغرافیای تاریخی خراسان در تاریخ حافظ ابرو*. تهران: انتشارات اطلاعات.

• حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبدالله (۱۳۷۲). *زبده‌التواریخ*. تصحیح سید کمال حاج سید جوادی. ج ۲ تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

• حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبدالله شهاب (۱۳۸۰). *زبده‌التواریخ*. تصحیح سید کمال حاج سید جوادی. ج ۳. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

• حسینی، هاشم (۱۳۹۰) چهارباغ مشهد تیموری در آیینه تاریخ، پژوهش‌های تاریخی دانشگاه اصفهان، سال سوم، شماره دوم.

• خانیکوف، نیکولای ولادیمیروویچ (۱۳۷۵). سفرنامه خانیکوف گزارش سفر به بخش جنوبی آسیای مرکزی. ترجمه ابوالقاسم بی‌گناه و اقدس یغمایی. مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس.

• خزایی، محمد (۱۳۸۸). ساختار و نقش‌مایه‌های مدارس دوره تیموری در خطه خراسان، دوفصلنامه علمی و پژوهشی مطالعات هنر اسلامی ، شماره ۱۱، پائیز و زمستان ۸۸.

• خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین (۱۳۷۸). *مکارم‌الاخلاق*. تصحیح محمد اکبر عشیق. تهران: مرکز نشر میراث مکتوب با همکاری آیینه میراث.

• خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین (۱۳۸۰). *تاریخ حبیب السیر فی افراد بشر*. ج ۴. تهران: انتشارات خیام.

• دالساندری، وینچنتو و دیگران (۱۳۴۹). *سفرنامه ونیزیان در ایران*. ترجمه منوچهر امیری. تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.

• راهنمای جامع اماکن متبرکه حرم امام حضرت رضا (ع) (۱۳۸۴). مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

• زنده‌دل، حسن (۱۳۷۷). مجموعه *راهنمای ایران‌گردی استان خراسان*. تهران: نشر ایران‌گردان.

• سمرقندی، دولتشاه بن بختیشاه (۱۳۶۷). *تذکره الشعراء. تصحیح محمد عاشی*. تهران: انتشارات کتابخانه بارانی.

• سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق (۱۳۶۰). *مطلع السعدین و مجمع البحرین*. تصحیح محمد شفیع. ج ۲ – جزء اول. بی‌جا: بی‌نا.

• سیدی، مهدی (۱۳۷۸). *تاریخ شهر مشهد*. تهران: انتشارات جامی.

• سیدی، مهدی (۱۳۸۲). *سیمای تاریخی ـ فرهنگی شهر مشهد*. مشهد: سازمان فرهنگی شهرداری مشهد. تهران: نشر آدام.

• شامی، نظام‌الدین (۱۹۵۶). *ظفرنامه*. تصحیح فلکس نادر، پراگ (چک و اسلواکی): انتشارات مؤسسه شرقیه.

• صدری‌کیا، سمیه (۱۳۹۴). اصول توسعه کالبدی حرم مطهر رضوی، با تأکید بر تحولات تاریخی قرن نهم هجری قمری، مجله خراسان بزرگ، سال ششم، شماره۱۸ ، بهار ۹۴.

• صنیع‌الدوله، محمدحسن (۱۲۹۹). *تاریخ منتظم ناصری*. تصحیح محمد اسماعیل رضوانی. ج ۲. تهران: انتشارات دنیای کتاب.

• عباسیان، محمد (۱۳۷۹). *تاریخ سفال و کاشی در ایران*. تهران: انتشارات گوتنبرگ.

• قصابیان، محمدرضا (۱۳۷۷). *تاریخ مشهد از پیدایش تا آغاز دوره افشاریه*. مشهد: انتشارات انصار.

• کاتب، احمد بن حسین بن علی (۱۳۴۵). *تاریخ جدید یزد*. تصحیح ایرج افشار. تهران: انتشارات فرهنگ ایران‌زمین

• کاویانیان، احشام (۱۳۵۰). *شمس الشموس (تاریخ آستان قدس)*. مشهد: بی‌نا.

• کلاویخو، روی گنزاله (۱۳۶۴). *سفرنامه کلاویخو*. ترجمه مسعود رجب نیا. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

• کیانی، محمد یوسف (۱۳۷۴). *پایتخت‌های ایران*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

• کیانی، محمد یوسف (۱۳۸۳). *معماری ایران دوره اسلامی*. تهران: انتشارات سمت.

• کیانی، محمد یوسف و دیگران (۱۳۶۴). *هنر سفال‌گری دوره اسلامی ایران*. تهران: مرکز باستان‌شناسی ایران.

• گلمبک، لیزا و دیگران (۱۳۷۴). *معماری تیموری در ایران و توران*. ترجمه محمد یوسف کیانی و کرامت الله افسر. تهران: سازمان چاپ و انتشارات و تولیدات فرهنگی.

• لباف خانیکی، رجبعلی (۱۳۷۸). *سیمای میراث فرهنگی خراسان*. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

• مرعشی، ظهیرالدین بن سید نصرالدین (۱۳۴۵). *تاریخ طبرستان و رویان و مازندران*. تهران: مؤسسه مطبوعاتی شرق.

• مشکوتی، نصرت‌الله (۱۳۴۹). *فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران*. تهران: انتشارات سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.

• مشهدی محمد، عباس (۱۳۸۳). *مشهدالرضا ع*. تهران: انتشارات مؤلف.

• معین‌الفقرا، احمد بن محمود (۱۳۷۰). *تاریخ ملازاده*. تصحیح احمد گلچین معانی. تهران: مرکز مطالعات ایرانی.

• مقری، علی‌اصغر (۱۳۵۹). *بناهای تاریخی خراسان*. مشهد: انتشارات اداره کل فرهنگ خراسان.

• ملازاده، کاظم و دیگران (۱۳۷۹). *بناهای عام‌المنفعه*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری.

• موسوی روضاتی، مریم‌دخت، (۱۳۷۹). *گنج‌نامه (فرهنگ آثار معماری اسلامی ایران) مدارس*، ترجمه کلود کرباسی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور با همکاری دانشگاه شهید بهشتی.

• میرخواند، محمد بن خاوند (۱۳۸۰). *روضه الصفا*. ج ۴. تهران: انتشارات علمی.

• میرخواند، محمد بن خاوند (۱۳۸۵). *روضه‌الصفا*. تصحیح جمشیدکیان‌فر. ج ۱۱. تهران: انتشارات اساطیر.

• نطنزی، معین الدین (۱۳۸۳). *منتخب التواریخ معینی*. تصحیح پروین استخری. تهران: انتشارات اساطیر.

• نوائی، عبدالحسین (۱۳۷۰). *اسناد و مکاتبات تاریخی ایران*. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

• همدانی، رشیدالدین فضل الله (۱۹۴۰ م). *تاریخ مبارک غازانی*. تصحیح کارلیان. انگلستان: بی‌نا.

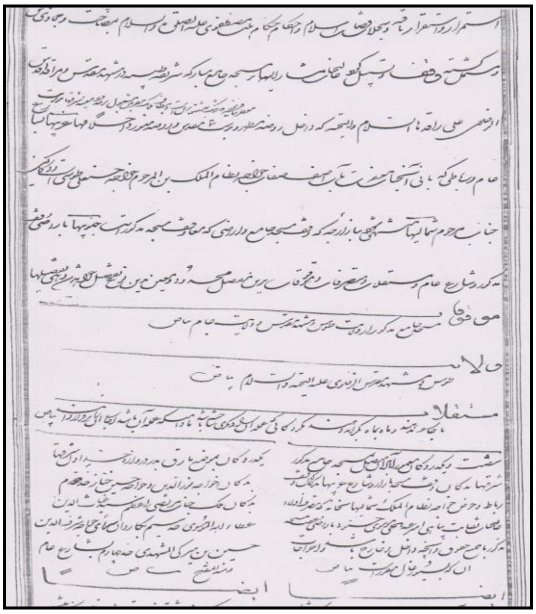
• هیلن براند، رابرت (۱۳۷۷). *معماری اسلامی*. ترجمه ایرج اعتصام. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری وابسته به شهرداری تهران.

• یزدی مطلق (فاضل). محمود (۱۳۷۳). تحقیق پیرامون وقف نامه‌های موجود در اداره کل اوقاف استان خراسان و موقوفات پیرامون به آن‌ها. مشهد: اداره کل اوقاف و امور خیریه استان خراسان رضوی.

• یزدی، شرف‌الدین علی (۱۳۳۶). *ظفرنامه*. تصحیح محمد عباسی. ج ۱. تهران: مؤسسه مطبوعاتی امیرکبیر.

• یزدی، غیاث‌الدین علی (۱۳۷۹). *سعادت‌نامه*. تصحیح ایرج افشار. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

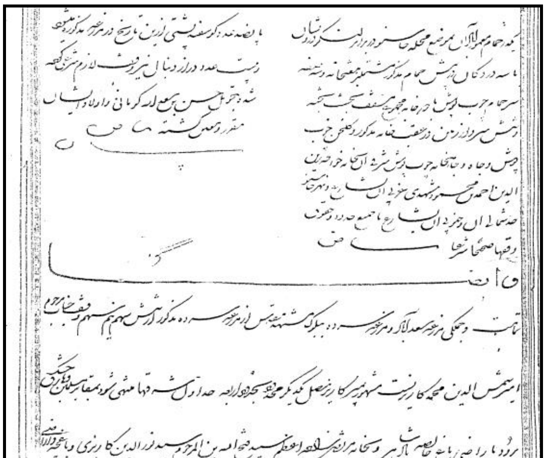
اسناد



سند ۳. سند بدون شماره و بدون مهر

ماخذ: اداره کل اوقاف امور خیریه استان خراسان رضوی (۱۳۸۹)

برخی از اراضی شهرهای توس، مشهد و جام وقف مسجد جامع مشهد شده بودند. یک بازارچه که شامل ۶۱ دکان بوده متصل به مسجد جامع بوده که وقف امورات مسجد بوده است و نیز یک کاروانسرا و آب‌انبار نیز کنار مسجد قرار داشتند.



سند ۳-٤. بدون شماره و بدون مهر

ماخذ: اداره کل اوقاف امور خیریه استان خراسان رضوی (۱۳۸۹)

یک حمام نزدیک مسجد جامع و حرم امام رضا (ع) قرار داشته که وقف مسجد گوهرشاد در مشهد بوده است.